

نویسنده: کببین زیسی (Kevin Zeese).

منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز (2017-08-29).

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

ایالات متحده امریکا بعنوان یک امپراتوری ناکام و ورود ترومپ در یک باتلاق

As US Empire Fails ,Trump Enters a Quagmire

باتلاق بعنوان یک بغرنج ناخوشایند تعریف شده است . که فرار و یا بیرون رفت از آن مشکل است . دونالد ترومپ رییس جمهور ایالات متحده امریکا در این آواخر برنا مه واجندای جنگی اش را به ادامه جنگ در افغانستان اعلام کرده است . و آن به این مفهوم که اودرگیرماندن در این باتلاق را حفظ و یانگاه میدارد و این ماندن در زمانی صورت میگیرد که امپراتوری ایالات متحده امریکا شکست میخورد و رهبری آن در جهان تضعیف میشود . این امپراتوری در حال تضعیف باید اکنون این درس را گرفته باشد و یا خواهد گرفت که «افغانستان قبرستان امپراتوری ها» است . در دوران کمپین انتخابات ریاست جمهوری بعضی ها به این باور و عقیده بودند که دونالد ترومپ یک رییس مداخله گر نخواهد بود . و دلیل روشن این ادعا چنین است که دونالد ترومپ در ماه جنوری سال (2013) در توئیتر خود در مورد افغانستان چنین نوشته بود :

« بیاید که از افغانستان خارج شویم ، نیروهای ما توسط افغانی های که ما آنها را آموزش میدهم به قتل میرسند؛ و ما ملیا رد ها دالر را در آنجا تلف نمودیم ایا همچو مصارف مزخرف و بپوچ نیست از



اینکه چرا ما این مبلغ هنگفت را در عوض در بازسازی کشور خودمان بمصرف نرسانیم» .

بهر صورت اکنون ما شاهد یک رییس جمهوری هستیم که در اتکا به سنت مداخله امپراتوری ایالات متحده امریکا میخواید پیروزی را از آن خود سازد؛ درحالیکه افغانستان از هنگام رخداد واقعه (9/11) پیوسته داخل یک جنگ کاملاً عیاراست جنگ (16) ساله و طولانی‌ترین جنگ در تاریخ جنگ‌های ایالات متحده امریکا؛ اما آنچه که حقیقت است این است که ایالات متحده امریکا بطور مستقیم در حدود (38) سال قبل یعنی در (3) جنوری سال (1979) عملاً درگیر در افغانستان شده است - همانطور که ویلیم ریورس (William Rivers) در این مورد می‌نویسد: } در آن روز رییس جمهور «جیمی کارتر» به درخواست مشاور امنیت ملی (زیگنیوبرژنسکی) خود اولین دستورالعمل را در یک عملیات بمنظور بی‌ثبات ساختن حکومت افغانستان تحت حمایت شوروی را توشیح نمود.} امریکا به سلسله مداخلات خود در افغانستان اینک دونالد ترومپ تحت بهانه‌ای به تخریب و به از بین بردن تونل‌های ساخته شده در دوران مجاهدین که در آن زمان مورد استفاده مجاهدین و اسامه بن لادن قرار داشت دستور پرتاب یک بمب بزرگ غیر هستوی بنام مادر بمب‌ها را داد که آن بمب در ولایت شرقی افغانستان پرتاب شد و از طریق رسانه‌ها چنین توجیه شد که امریکا این بمب بزرگ را بخاطر انهدام تونل‌های که در آن سلاح‌های مخالفین دولت افغانستان ذخیره شده بود پرتاب کرده است.



سیاست دونالد ترومپ در افغانستان بعنوان یک رویکرد ویا یک برخورد جدید نامناسب و غیر موجه توصیف شده است. اما در این سیاست جدید او تنها یک عنصر جدید محرمانه نگه‌داشته شده است و آن اینکه تعداد اصلی نیروهای امریکایی را که به افغانستان اعزام میشوند تعیین و مشخص نکرده است.

ولی از محتوی و مضمون این ستراتیژی آنچه که برداشت میشود این است که ایالات متحده امریکا بخاطر کسب پیروزی خود به بمباران و طولانی ساختن جنگ در افغانستان ادامه میدهد که با این صورت جنگ در افغانستان برای یک مدت نامعلوم ادامه پیدا خواهد کرد تا آنکه به باور مقامات ایالات متحده امریکا به اهداف جیو پولیتیک خود نایل آیند.

رالپ نادر (Ralp Nader) عناوین و سرخط نشرات پیرامون جنگ (16) ساله افغانستان را به بررسی گرفته و در مورد چنین اظهار نظر کرده است: که در این جنگ بمباران بشکل بسیار بی‌رحمانه و توأم با خشونت صورت گرفته و میگیرد که به جز از بدبختی بشر چیزی دیگری بر آن نام گذاشته نمیتوانیم.

یکی دیگر از بررسی‌ها به ارتباط افغانستان منجر به نتیجه‌گیری مشابیهی میشود و آن یعنی جنگ بیشتر.

دونالد ترومپ در هنگام کمپین انتخاباتی خود برای احراز مقام ریاست جمهوری ایالات متحده

امریکا خواستار خروج نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان شده بود. او یعنی **دونالد ترومپ** در اوایل حکومت خود کار و فعالیت با زنگری در مورد افغانستان را اعلام کرد - او در این هفته ای که خواهان تشدید جنگ در افغانستان شد در اشاره به موضوع گفت که این گزینه ام است. حالانکه متاسفانه رییس جمهور آقای **دونالد ترومپ** به گفته ها و به باورهای قبلی خود نی واقع و گذاشت و نه هم اعتماد کرد و فرصتی به ختم و پایان این جنگ نامعلوم نداد.

ما کاملاً متوجه بودیم که آیا رییس جمهور **دونالد ترومپ** از پذیرش اشتباهات مکرر اجتناب میکند و یا نه؟ اما طوریکه دیدیم بسیار بعید به نظر می آید که او از این مسیر و یا از روند اشتباهات اش تغییر سمت دهد و یا کنار رود و آن اینکه منطق او این است چونکه بسیاری از سربازان ایالات متحده آمریکا در این جنگ قربانی داده اند و به اینصورت تا زمانیکه ما در افغانستان در این جنگ برنده و کامیاب نشویم جنگ با پیداد ادامه یا بد و ما باید که در آن کشور حضور داشته باشیم - براساسی که این خود یک نزاع و سرگردانی چیزی بیش نیست، یعنی به این مفهوم که آمریکا باید جنگ را در افغانستان ادامه دهد تا زمانیکه که به باور **دونالد ترومپ** آمریکا در این جنگ پیروز شود چونکه سربازان خود را در این جنگ از دست داده است حالانکه ادامه جنگ در افغانستان و تعهدی که آمریکا به ادامه جنگ در افغانستان سپرده است خود تلفات بیشتری را در قبال خواهد داشت.

هنگامیکه ما سخنرانی جنگی **دونالد ترومپ** را در مورد افغانستان شنیدیم، ما را واداشت تا نظری به سخنرانی ماه مارچ سال (2009) آقای «**بارک اوباما**» که به ارتباط جنگ افغانستان ایراد نموده بود بیا ندامیم آنچه که توجه ما را در مورد بخود جلب کرد این بود که این هر دو سخنرانی از نظر محتوی و مضمون خود باهم کاملاً مشابهاست - و قتیکه رییس جمهور روسیه فدراتیف آقای **ولادیمیر پوتین** با فلمساز آقای **اولیبر استون (oliver Ston)** و بعداً با **مگین کیلی (Megyn Kelly)** مصاحبه کرد و در سیاست ایالات متحده آمریکا به ارتباط افغانستان یک نقطه را ثابت ساخت و یا به یک نقطه ای بسیار مهم اشاره کرد و آن اینکه روسای جمهور میروند و می آیند و حتی که احزاب در بدست آوردن قدرت تغییر پالیسی میکنند اما جهت گیری اصلی سیاسی هرگز تغییر نمیکند.

لهذا هر دو روسای جمهور آمریکا (آقایون **بارک اوباما** و **دونالد ترومپ**) در اوایل حکومتداری خود به ارتباط جنگ افغانستان به بررسی های طولانی دست بکار شدند یعنی آن هر دو روسای جمهور با جنرال ها و دیپلومات های خود پیرامون افغانستان به بحث و بررسی پرداختند تا آنکه بشکل مشابهاً این جنرالان و دیپلومات ها روسای جمهور را مجبور به ادامه و تشدید این جنگ در افغانستان ساختند هر دو رییس جمهور ادعا میکردند که برنامه ما یک ستراتیژی جدید است حالانکه **دونالد ترومپ** در واقعیت امر فقط کارمشا بهی را مجدداً انجام داد، یعنی اعزام نیروهای جنگی اضافی آمریکا به بهانه آموزش منسوبین اردوی ملی افغانستان، با استفاده از توان اقتصادی و فشار دیپلوماتیک بر پاکستان یعنی بمنظور آنکه پاکستان برای طالبان و دیگر گروه های هراس افکن که در برابر آمریکا مبارزه میکنند جای امن و پناه گاه ندهد. سیاست مشابهاً سلف او یعنی اوباما است.

از سوی هم بمنظور کسب اطمینان از هرج و مرج هر دو رییس جمهور گفتند: که تصمیمگیری آنها بر اساس یک جدول زمانی در رابطه باقی ماندن و یا بیرون شدن نیروهای نظامی شان در افغانستان صورت نخواهد گرفت بلکه تصمیم شان منوط به اوضاع و حالاتی در افغانستان خواهد بود هر دو بدون کدام دلیل و برهان مشخص و قاطع وعده پیروزی دادند و همچنان هر دو رییس جمهور ترس شان را از طالبان و دیگر ستیزه جویان از اینکه در خاک افغانستان به ضد آمریکایی ها مبارزه میکنند نشان دادند. روی هم رفته و سرانجام آقای **دونالد ترومپ** توانست بداند که برخورد رییس جمهور سابق

امریکا «بارک اوباما» ، علیرغم بمب گذاری های مکرر در پاکستان و در همکاری با نیروهای اردوی ملی افغانستان شکست خورده است اما باز هم روش آقای دونالد ترومپ از آن مسیر تغییر نکرده است یا به عباره دیگر اگر **دونالد ترومپ** کارها و فعالیت های **بارک اوباما** را نکوهش میکند اما همان راه او را بدون کم و کاست دنبال میکند .

چنانچه که در اثر حمله نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا در ماه فبروری سال (2012) واقع در ولایت کاپیسا افغانستان (8) کودک جان شان را از دست دادند .

شکست در فراگیری درسها تکرار آنها راییقینی میسازد: به گفته ای مایک لودویگ

(Mike Ludwig) از هنگامیکه رییس جمهور **بارک اوباما** « در سال (2009) افزایش نیروهای نظامی را در افغانستان تصویب کرد ، جنگ در افغانستان حد اقل جان (26512) نفر را گرفت و تقریباً (048931) نفر دیگر مجروح ساخت و از سوی هم در ماه جولای سازمان ملل متحد گزارش داد که در سال (2017) تعداد افراد غیرنظامی کشته شده و زخمی شده افغانان ناشی از این جنگ حد اقل (2424) نفر بود که تعداد زیاد آنها را اطفال و زنان نسبت به سالهای قبل تشکیل میداد تا سف در اینجا این است که **دونالد ترومپ** نسبت به **بارک اوباما** به ارتباط کشتار غیرنظامیان از خود بی تفاوتی نشان میدهد و از آن کاملاً چشم پوشی مینماید .

دونالد ترومپ در یک صحبت رسمی و خبری خود خاطر نشان ساخت که حوزه ویا منطقه افغانستان و پاکستان در حال حاضر پرانیوه ترین ساحه است که در آنجا تروریست ها درگشت و گذر هستند و علیه امریکایی ها میجنگند او در ادامه صحبت خود گفت که در اینجا بیش از (20) گروه تروریستی وجود دارد **بارک اوباما** گرچه ده هزار سرباز اضافی را بخاطر از بین بردن این تروریستها به افغانستان فرستاد و توام با آن پیوسته بالای تروریستها بمبارد کرد اما نه تنها که از تعداد این تروریستها کاسته نشد بلکه با گذشت زمان تعداد آنها بیشتر و بیشتر گردید، کار ناموفق آقای دونالد ترومپ در این رابطه این است که او نتوانست نقاط باهم در اتصال ناشی از حملات بیشتر امریکا را که زمینه انزجار مردم را علیه امریکا مساعد میسازد متوقف سازد بلکه او به ادامه همچو حملات پرداخت .

بعد از آن «اوباما» با وجود تزیید و افزایش ده ها هزار سرباز امریکایی و با بیش از (100) هزار نیروهای اردوی ملی افغانستان در اوج قدرت نظامی نتوانست مخالفین دولت افغانستان را مهار کند و در این جنگ فرسایشی موفقیت را از آن خود سازد، لهذا با در نظر داشت همین اصل و واقعیت **دونالد ترومپ** شاید که از جنرال های بلند بالای خود بخواهد بپرسد که ما چگونه خواهیم توانست که با اعزام (چهار تا هشت هزار) سرباز اضافی وضع جنگ را به نفع خود تغییر دهیم البته که در مقابل این پرسش **دونالد ترومپ** هیچ یکی از جنرالان در اتاق نبود که بتواند به رییس جمهور دونالد ترومپ چیزی بگوید و آن اینکه هیچ چیزی جدیدی در استراتژی **دونالد ترومپ** به ارتباط جنگ افغانستان وجود نداشت و ندارد – تنها یگانه کسی که در اداره **دونالد ترومپ** مخالف جنگ است او آقای **ستیب بون (Steve Bonn)** است که او در آن روز در اتاق با جمع از جنرالان حضور نداشت و غایب بود . که علیه جنرالانی که طرفدار جنگ هستند به پا میخواست و یا ایستادگی میکرد .

در اینجا آنچه که قابل تذکر پنداشته میشود این است که تلاشهای سیاسی «**بارک اوباما**» بخاطر هرچه نیرومند ساختن نیروهای افغان بمنظور فایق آمدن آنها به این فاجعه در دوران او بدون رسیدن

به هدف پایان یافت چنانچه که نیویارک تایمز دریکی از مقالات منتشر شده خود در سال (2012) چنین نوشت: { ما نمیتوانیم که در جنگ افغانستان برنده شویم پس چه کاری باید بکنیم؟ ما افغان ها را در راه آموزش مهارت های جنگ و جنگیدن به سبک و روش خود که توقع داشتیم نتوانیستم تربیه نمایم تا که میتوانستیم زمینه ای برای خروج خود از آن کشور را مساعد می ساختیم اما بعداً درک کردیم که این افغان های آموزش دیده سر با زان خود ما را به قتل میرسانند پس همان بود که این برنامه را در سال (2012) متوقف ساختیم تا از کشتار سر بازان بیشتر امریکایی توسط سر بازان آموزش دیدگان افغانی جلوگیری بعمل آوریم } لذا با در نظر داشت این یاد آوری میتوان گفت که **دونالد ترومپ** یا نمیداند و یا از این واقیعت تلخ چشم پوشی میکند .

نباید از یاد برد که **دونالد ترومپ** از اشتباهات مبنی بر اشغال و آغاز جنگ در عراق نیز درس عبرت نگرفت او یعنی **دونالد ترومپ** بطور مصرانه به اصطلاح خروج نیروهای نظامی امریکا را از عراق شتابزدگی و عجولانه توصیف کرد و او در عین زمان به ظهور و خیزش دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه (ISIS) اشاره میکند و میگوید که ظهور دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه ناشی از خلای قدرت در عراق بود و آن زمانی بود که ایالات متحده امریکا از شما سر بازان خود در عراق کاست ، بناً او یعنی **دونالد ترومپ** تا کید نمود که ایالات متحده امریکا دیگر نمیتواند اشتباهات رهبران ما را که در عراق نمودند در افغانستان آن اشتباه را تکرار کنند .

بهر صورت داعش سر انجام پا بعرصه ای وجود گذاشت و آنهم به نسبت کشتار صدها هزار نفر و حسب بعضی از گزارشات به بی جا شدن بیش از میلیون ها عراقی از خانه و سرزمین شان و تخریب دولت عملاً در حال فعالیت و وظیفه، و دست زدن به اجرای اعمال شنیع و جنایات جنگی شامل تحقیر ، توهین ، تجاوز ، شکنجه در محبس ابو غریب (Abu Gharib) توسط نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا براه انداخته شد و در کنار آن نیروهای نظامی ایالات متحده امریکابه آموزش و تسلیح اهل تسنن عراق و بیداری آن ها نیز پرداخت و این همه آن عواملی اند که منسوبین اردوی عراق و بسا جنگجویان سنی مذهب عراقی را واداشت تا دست به خشونت زنند و در تحت یک رهبری خشن افراطی جنگی به مبارزه صف آراییی کنند و سازمانی را بنام دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه بوجود آورند .

لهذا این جنگ و اشغال عراق توسط ایالات متحده امریکا بود که موجب ظهور دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه گردید یعنی این امریکا بود که تخم و دانه ای کینه و خشونت و جنگ را در عراق کاشت که این دانه ها و تخم ها با مرور زمان و بسرعت رشد کرد تا آنکه ایالات متحده امریکا از ثمره آنچه را که بذر کرده بود اکنون با احساس ترس از آن ثمره که موجب ظهور (آی اس آی اس) شده از تعداد نیروهای نظامی مستقر خود در عراق کاست ، اما آنچه که از تذکرات فوق برمی آید چنین است که آقای **دونالد ترومپ** باز هم آن اشتباه را تکرار میکند و بیشتر به گزینه جنگ تکیه میکند پس نباید توقع داشت که جنگجویان (آی اس آی اس) و برخی دیگر از تروریست ها در مخالفت و یا در برابر امریکایی ها به نحو از آنها نه جنگند و یا مبارزه نکنند .

دولت ایالات متحده امریکا هرگز نه میخواست که با یک واقیعت تلخ دیگر مواجه شود یعنی به انزجار و نفرت مردم اما بدبختانه که با در نظر داشت عوامل عدیده ای، دولت موجود امریکا مورد نفرت مردم همین اکنون در منطقه قرار گرفته است ، بوش به ارتباط رخداد واقعه (9/11) به مردم خود و به جهان نیان دروغ گفت و چنین اذعان کرد که آنها از آزادی های ما نفرت دارند حالانکه برخلاف مردم هرگز از مردم و آزادی ها امریکایی ها تنفر ندارند بلکه تنفر آنها از دولت های ایالات متحده امریکا است چونکه نظامیگری ایالات متحده امریکا هزاران نفر را در منطقه هر روز محکوم

به مرگ میکند و به هرج و مرج در مناطق جنگی دامن میزند و آتش جنگ را گرم نگاه میکند لذا نباید از نظر دور داشت که چرا مردم از دولت های امریکا نفرت دارند .

پیروزی به معنای چیزی متفاوت با یک امپراتوری است : سعی و تلاش

بغرض درک از اینکه چرا ایالات متحده امریکا در حال جنگ ... با جنگ است؟ جنگی ناموفق و غیر قابل تحمل (16) ساله که تا هنوز بُرد در آن معلوم نیست و این خود به درک ما از جنگ کمک خواهد کرد تا به نقشه نگاه کرده و منابع ساحه و منطقه را در نظر بگیریم .

لاری ویلکرسن (Lary Wilkerson) مشاور سابق **کولین پاول (Colin Powell)** چنین

پیش بینی کرده است که ایالات متحده امریکا در (50) سال آینده در افغانستان حضور خواهد داشت که این خود ممکن پیروزی امپراتوری باشد؛ چونکه افغانستان اهمیت فوق العاده جیوپولیتیکی دارد یعنی افغانستان جای است که ایالات متحده امریکا با حضور خود در اینجا میتواند یک کمربند و یک جاده (one Belt one Road) **چین** را که چینایی ها میخواهد **چین** را با اروپا وصل سازند ضربه زند و یا جای است که **چین** میتواند جای روسیه و ایالات متحده امریکا را در دسترسی به ثروت اروپا با عرضه کالاهای اصلی نیاز اروپا مثل نفت و گاز بگیرد؛ هماهنگی ایالات متحده امریکا در آلمان - ایتالیا و دیگر کشورهای اروپایی و جاپان پس از جنگ دوم و در کره بعد از جنگ کره باقی مانده است یا تاکنون حضور دارد. لهذا امپراتوری این موضوع را درست درک کرده است که حضورش در افغانستان برای امپراتوری یک نیاز مبرم است تروریسم مسئله ای چندان جدی نیست بلکه مسئله واقعی رقابت اقتصادی امپراتوری با چین است؛ چینی که به سرعت در حال تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی جهانی است .

باید اذعان کرد که رقابت ایالات متحده امریکا با روسیه و چین در سرخط اجندای کاری حزبی دو حزب اعم از دموکرات ها و جمهوریخواهان امریکا در واشنگتن قرار دارد .

پپه اسکوبار (Pepe Escobar) در مورد **چین** و **روسیه** چنین ابراز نظر کرده است : **روسیه**

وچین با طرح و تحقق مشارکت استراتژیکی خود میخواهند جنگ را در افغانستان توسط مذاکرات بین الافغانی توسط خود افغان ها در تحت نظارت سازمان همکاریهای شانگهای (که افغانستان در این سازمان بعنوان عضو ناظر میباشد) پایان دهند . بنا بر این از دیدگاه عناصر نیوکان ها / نیولیبرالها امریکایی از حزب و حلقهات جنگ طلب در واشنگتن - افغانستان فقط بعنوان مبنای پیش پا افتاده برای ترساندن چین جا یگاه ویژه ای ریشه کن کردن کمربند و جاده ابتکاری **چین** است .

طوری که همه میدانیم افغانستان در همجواری سه قدرت هسته ای اعم از چین، هند و پاکستان موقیعت دارد که میتواند خطرات نظامی را برای حضور ایالات متحده امریکا در افغانستان ایجاد کند و وجود پایگاه های چندی نظامی امریکا در افغانستان با ادعای اینکه علیه تروریست ها مبارزه میکند پوشش بخاطر مقابله با هر نیروی جنگی است که اگر در مقابل منافع امریکا در این منطقه ایستادگی کند و یا دست به برنامه ریزی نظامی زند .

از سوی دیگر افغانستان در غرب با کشور ایران هم مرز و هم سرحد است که میتواند برای امریکا یک منطقه جنگی باشد و به همین جهت قرار گرفتن ارتش ایالات متحده امریکا در امتداد مرز افغانستان و ایران برای امریکا مزایای مهم استراتژیکی دارد بخصوص که از نزدیک خلیج فارس را تحت نظارت قرار دهد یعنی معبری را که تقریباً (2,18) میلیون بشکه نفت در روز از طریق

تنگنای هرگز حمل در تا نکرها عبور میکنند.

فکتور عمده دیگر مبنی بر حضور ایالات متحده امریکا در افغانستان مواد معدنی آن کشور است. طوریکه توسط کارشناسان ارزش تخمینی مواد معدنی مهم کمیاب پوشیده در زیر انبارهای خاک افغانستان (3) تریلیون دالر تعیین شده است که این مواد معدنی قیمتی اعم از مینرال های که امروز در تکنولوژی مدرن بیشتر مورد استفاده قرار میگیرد مثل طلا، نقره، پلاتین، سنگ آهن و مس و لیتیم.... مینرال های که افغانستان سرشار از همچو ذخایر گرانبها میباشند. ایالات متحده امریکا با در نظر داشت دسترسی به همچو منابع معدنی تا حال در این جنگ نامعلوم و ناموفق بیش از (700) میلیارد دالر بمصرف رسانده است - **دونالد ترومپ** و استراتژیست های امپراتوری یا امپریالیزم امریکا بشمول شرکت های غول پیکر آن امپراتوری در تلاش هستند تا اگر بتوانند با اطمینان خاطر به این منابع عظیم مواد معدنی افغانستان دسترسی حاصل نمایند.

از آنجا که تحقیقات محققان زمین شناسی ایالات متحده امریکا در افغانستان یک دهه پیش بغرض کشف مواد معدنی افغانستان صورت گرفته است بعضی ها به این عقیده و نظر اند که آینده افغانستان را همچو عربستان سعودی به نسبت داشتن ذخیره هنگفت **لیتیم**، موادی که در ساخت باتری ها تلفن های همراه بکار میرود مقیاسه و مشاهده و پیش بینی مینمایند روی همین مطلب مقامات ذیصلاح ایالات متحده امریکا به آژانس **رویتر** خاطر نشان ساخته است که دونالد ترومپ در جلسه کاخ سفید در ماه جولای با مشاوران خود گفته که ایالات متحده امریکا باید سهم خود را از ثروت های عظیم مواد معدنی افغانستان تقاضا کند.

جیفری ستن کلار (Jefferey St clair) یا دآوری نمیکند و یا از آن چشم پوشی میکند از اینکه تجارت تریاک سود آور است بویژه از اینکه افغانستان بزرگترین منبع تولید هیروین در جهان است او در این مورد چنین می نویسد: از زمان آغا عملیات آزاد و سرسخت و دشوار تولید تریاک در افغانستان افزایش یافته است و اکنون بیش از یک سوم اقتصاد آسیب دیده افغانستان را در بر میگیرد و یا به اقتصاد افغانستان لطمه میزند - قابل تذکر این که در خلال دو سال گذشته تولید خشخاش یا تریاک در افغانستان دوبرابر شده است و امروز معتادین به مواد مخدره در خیابانهای ایالات متحده امریکا از آمریلو (Amarillo) تا پنسا کولا (pensacola) پرسه میزنند از سوی دیگر باید خاطر نشان ساخت که با هر هجوم و حمله هوایی نیروهای ایالات متحده امریکا در ولایت هلمند افغانستان یک هزار بته ای خشخاش شگوف می شود.

تصمیم بر ادامه یک جنگ پایان ناپذیر و ناموفق بدون هیچ برنامه زمانی خروج نیروهای نظامی ایالات متحده امریکایی شواهدی را به نظر تداعی میکند که پنتاگون و سازمان های اطلاعاتی مسول سیاست خارجی آن کشور دونالد ترومپ را بخاطر تامین منافع خود به حیث یک رئیس جمهور دست نشانده با خود دارند چونکه این حلقهات جنگ طلب و مجتمع صنعت سلاح سازی از ادامه جنگ در افغانستان سود فراوانی بدست می آورند. **سنت کلیر (St Clair)** تاکید میکند که پنتاگون برای هر سرباز امریکایی در افغانستان سالانه (3,6) ملیارد دالر مصرف میکند لذا افزایش از (4000) تا (10000) از نیروهای اضافی بعنوان واحدهای نظامی خصوصی و یا (GIS) = سامانه اطلاعاتی جغرافیایی «Geographic information system» به چه مبالغی هنگفت پولی ضرورت دارند که باید پول اضافی دیگر برای فعالیت های دفاعی آنها تدارک شود یعنی که این پول از طرف اداره مربوطه باید تمویل گردد.

ستیب بنن (Steve Bannon) درست قبل از تدویر جلسه در تحت عنوان آینده افغانستان از روی تصادف در جلسه حضور نداشت کسی که مخالف جنگ شد بد را فغانستان میباشد - **گلن گرین والد** (Glenn Greenwald) چنین مینویسد: که از زمان انتخاب او به حیث مسول کنترل سیاست خارجی حفظ ساختار قدرت دایمی مطمح نظر بوده است. او همچنان به ارتباط جنرال کیلی (Jhon Kelly) که به صفت ریس ستاف منصوب شده است نیز اشاره میکند - جنرال مک ماستر بگونه موفقیت آمیز چندین مقام امنیتی ملی دیگر را که در ارتباط با **ستیب بنن** بازیگر سیاست خارجی ناسیونالیست مورد نکوهش و تحت ضربه ای شدید اش قرار میدهد و آن اینکه چگونه میتوان بدون دخالت نظامی هماهنگ شده به هدف رسید - پس این مطلب موضوعی را در ذهن تداعی میکند که دولت عمیق (دولت مخفی) تصویب نموده که جنگ باید در افغانستان دایمی باشد چونکه این خود نشاندهنده تصمیمگیری دولت مخفی در دولت ایالات متحده آمریکا میباشد.

با در نظر داشت این واقیعت های جیوپولیتیکی حضور نیروهای جنگی ایالات متحده آمریکا در افغانستان برای حلقهات جنگی ویا دولت مخفی آمریکا نشانه ای از پیروزی میتواند تلقی شود چنانچه گذارش قاطع در این هفته حاکی از آن است که طالبان پیشنهاد مذاکره را بخاطر فراهم آوری صلح ارایه وپیشکش نمودند اما صلحی توام با شرایط و مطالبات خاص، صلحی که هرگز آمریکا خواهان آن نیست یعنی که آمریکا نمیخواهد که شرایط و مطالبات طالبان را بخاطر تامین صلح و قطع جنگ بپذیرد.

درخواست برای پایان دادن به جنگ از امپراتوری: این یک خطای وحشتناکی میتواند باشد که مردم به ارتباط جنگ در افغانستان تنها **دونالد ترومپ** را سرزنش کنند، حالانکه این جنگ و مداخله توسط «**جیمی کارتر**» آغاز، و بعد از رویداد (9/11) در زمان زمانمداری «**جورج دبلیو بوش**» این جنگ دنبال و توسط «**بارک اوباما**» تشدید گردید و اکنون همان سیاست ادامه جنگ را «**دونالد ترومپ**» بدون کدام دورنمای امیدوارکننده ویا دستاورد قابل ملاحظه ادامه میدهد چونکه حمایت از همچو جنگ ها از مدت چهل سال به این سو از طرف دو حزب ایالات متحده آمریکا درکنگره مورد حمایت عام و تام بوده و به یک سنت دایمی مبدل گردیده است.

افغانستان شواهد زنده از سیاست پایان ناپذیر سلطه طیف کامل است که توسط امپراتوری آمریکا و حلقهات جنگی جنگجویان دو حزب اعم از دموکرات ها و جمهوریخواهان آمریکا بشکل گسترده دنبال میگردد و برهیزم آتش ادامه جنگ تیل می ریزند بویژه که در این مورد **جفری ست کلیر** سناتوران هر یک **جان مک کین** و **الیزابت وارن** را نام میگردد که این هر دو سناتور خواهان ادامه و تشدید جنگ در افغانستان میباشند.

در ایالات متحده آمریکا طی دهه های اخیر نشان داده شده است که کتی کلی (Kathy Kelly) شخصیت صلحخواه و صلح پسند باچه شجاعتی برای تامین صلح تلاش بخرچ داده است و بطور آشکار نیاز به صلح را در اجندای مبارزه پیگیر خود قرار داده است ولی هستند بزدلان که به جنگ و دوام جنگ ادامه میدهند در اینجا در واقع بسیاری کسانی هستند که از ما میپرسند که ما چرا تا هنوز در افغانستان هستیم و تا هنوز می جنگیم در حالیکه اسامه بن لادن کشته شد عاملین رخداد (9/11) همه به قتل رسیدند ولی باز هم چرا این جنگ یعنی طولانی ترین جنگ در تاریخ جنگ ها آمریکا

پایان نمی یابد - پس میتوان چنین اندیشید که این خود یک جنگ ساختگی و جعلی است و نه جنگ علیه تروریسم بلکه جنگ بخاطر بسنیز ویا تجارت و دادوستد و اگر جنگ علیه تروریسم باشد پس عربستان سعودی دشمن شماره یک امریکا و یگانه کشوری است که از ترور و تروریزم حمایت بعمل می آورد پس بهر صورت اکنون میدانیم که عربستان سعودی یک از پارتنرها ی تجارتي ایالات متحده امریکا میباشد نه دشمن شماره یک امریکا .

ما نتیجه گیری از فعال حقوق بشر وکاندید برای مقام معاونیت سبز ریاست جمهوری آقای اجمو بارک (Ajamu Barak) در سال (2016) برای اتحادیه سپاه صلح جنبش سپاه پوستان چنین نوشتیم :

در اظهارات ناخوش آیند و غرور آمیز امریکایی و با تعهد روان پتالوژیکی (psychopathalgic) مبنی به برتری جهانی سفید نژاد در این جنگ ملیاردها دالر به هدر داده شده است ؛ تقریباً تا حال سه هزار نفر امریکایی محکوم به مرگ شده اند و بیش از (100) هزار نفر دیگر اعم از نیروهای اردوملی و غیر نظامیان کشته شده اند لهذا آیا وقت آن است که با وجود همه ای این تلفات که در جنگ افغانستان صورت گرفته است با زهم شکست بخوریم و جنگ را بدون کدام دستاورد پایان دهیم ولی عدالت و عقل سلیم و منطق با وجود کبر و استکبار امریکایی ها حکم میکند که خون ریزی در افغانستان باید متوقف گردد .

از آن جایکه ما درک انگیزه های واقعی امپراتوری امریکا را می فهمیم این نتیجه گیری حتی از بد بیشتر بدتر میتواند باشد و آن اینکه امریکایی ها به سرقت و چپاول منابع مواد معدنی از یک ملت فقیر اقدام به ایجاد پایگاه نظامی دایمی میکنند این خود بر آتش جنگ در آن کشور تیل میریزند، باید اذعان کرد که هژمونی ایالات متحده امریکا برای میلیون ها نفر در جهان پرهزینه است و در اینجا یعنی در داخل امریکا بیش از (54) درصد مخارج اختیاری را از بودجه فدرال بکار میبرند تا اقتصاد امپراتوری را ایجاد و آرایش دهند که فقط به منافع ثروتمندترین شرکت های بزرگ منجر میشود که از تسلط نظام نظامیگری فرامرزی سود می بند و اسهام را بین خود تقسیم میکنند که به این صورت بسیاری از مردم امریکا برده های اقتصادی آنها میباشند ؛ فلذا این وقت نه تنها که زمان پایان دادن به جنگ در افغانستان نیست بلکه پایان دادن به امپراتوری امریکا است .

با تقدیم سلامها (2017-09-04)